تحفه ادبيه / فارسی
تحفه القراء

آستان قدس

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: تحفة القراء

مؤلف متن: مصطفی بن ابراهیم قاری — محشی

شارح — مترجم

تاریخ تحریر: ۱۲۳۹ ق — نوع خط: تحریری — تعداد سطر: مختلف

موضوع: تجوید — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۶

طول: ۲۱ — عرض: ۱۵ — شمارهٔ عمومی: ۳۲۷۲۹

وقفی / خریداری: عباس فخیمی

تاریخ وقف: خرداد ۱۳۶۲ — نام کاتب

ملاحظات

على الحقّ والعمل به وهذا بالمقاصد اشبه ثمّ الفن بالميزة وقيل

قوله وهو عكسه اى بكبير المقدّمات الى فوق وهو النتيجة كما مرّ وجهه قوله اى فعل الحد يعنى انّ المراد بالتحديد بيان

اخذ الحدّ لانّ المراد المعرّف مطلق للاشياء وذلك بان يق اذا اردت تعريف شيئ فلا بدّ ان تضع ذلك

الشيئ وتطلب جميع ماهو اعمّ منه ويحمل عليه بواسطة او بغيرها وتميّز الذاتيات عن العرضيات بان تعدّ ماهو

بيّن الثبوت له او مايلزم من مجرد ارتفاعه ارتفاع نفس الماهية ذاتيا وماليس كذلك عرضا عامّا وتطلب

لجميع ماهو مساوٍ له فتميّز عندك الجنس من العرض العامّ والفصل من الخاصة ثمّ تركّب اى قسم شئت من

من اقسام المعرّف لعد اعتبار الشرايط [illegible] المعرّف قوله البرهان اى الطريق الى الوقوف على الحق

يقال

اى اليقين ان كان المطلوب علما نظريا اى الوقوف عليه والعمل به ان كان علما عمليا كما كان اذا اردت الوصول

الى اليقين فلا بدّ ان تشتغل في الدليل بعد محافظة شرايط صحة الصورة امّا الضروريات اليقينية او بحيث منها

بصورة الحجة وهيئة منتجة وتبالغ في التفحص عن ذلك حتى لا تشتبه بالمشهورات والمسلمات والمشبهات ولا

تذعن لشيئ بمجرد حسن الظن به او بمن تسمع منه حتى لا تقع في مضيق الخطابة ولا ترتبط بربقة التقليد

قوله وهذا بالمقاصد اشبه اى الامر الثالث من اشبه بمقاصد الفن منه بمقدماته ولذا ترى المتاخرين كصاحب

فطیر ثنا

بازبین شد
۱۳۷۱ ش

۵۷

على الحق والعمل به وهذا بالمقاصد اشبه ثم الفن بالجزء وقبل

فقوله وهو عكسه اى تكثير المقدمات الى فوق وهو النتيجة كما مرّ وجهه قوله اى فعل الحد يعنى انّ المراد بالتحديد بيان

اخذ الحد ولكن المراد المعرّف مطلق للاشياء وذلك بان يق اذا اردت تعريف شيئ فلا بدّ ان تضع ذلك

الشئ وتطلب جميع ما هو اعمّ منه ويحمل عليه بواسطة او بغيرها وتميّز الذاتيات عن العرضيات بان تعدّ ما هو

بيّن الثبوت له او ما يلزم من مجرد ارتفاعه ارتفاع نفس الماهية ذاتيا وما ليس كذلك عرضا عاما وتطلب

لجميع ما هو مساوٍ له فتميز عندك الجنس من العرض العام والفصل من الخاصة ثم تركّب اى فرشئت من

من اقسام المعرّف لعد اعتبار الشرايط [illegible] المعرّف قوله البرهان اى الطريق الى الوقوف على الحق

اى اليقيني ان كان المطلوب علما نظريا او الى الوقوف عليه والعمل به ان كان علما عمليا كما كان اذا اردت الوصول

الى اليقيني فلا بدّ ان تستعمل فى الدليل بعد محافظة شرايط صحة الصورة اما الضروريات الستة او يحصل منها

بصورة صحيحة وهيئة منتجة وتبالغ فى التفحص عن ذلك حتى لا تشتبه بالمشهورات والمسلمات والمشبهات ولا

تذعن لشيئ بمجرد حسن الظن به او بمن تسمع منه حتى لا تقع فى مضيق الخطأ به ولا ترتبط بربقة التقليد

قوله وهذا بالمقاصد اشبه اى الامر الثانى من الشبه بمقاصد الفن منه بمقدماته ولذا ترى المتأخرين كصاحب

فطبرتبا

بازبینی شد
۱۳۷۱ ش

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و سپاس و ستایش بی قیاس مر قادری و حکیمی را سزاوارست که بمقتضای قدرت کامله و اقتضای حکمت

بالغه ارسال رسل و انزال کتب بر ما ضعیفان و گناهکاران نموده و از میان رسل حضرت سید المرسلین و شفیع المذنبین

را برداشت که و لسوف يعطيك ربك فترضى و از میان کتب قرآن عظیم و فرقان کریم را بر افراشت که لو

انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله صد هزاران صلوات نامیات و تحیات

زاکیات بر روضه منوّره و مشهد معطر خاتم النبيين [illegible] للعالمين اعنى محمد مصطفى صلى الله عليه وآله

مطهر و مقدس ولی حضرت رب العليق و وصی الکرم الاولین [illegible] اعنی علی مرتضی و اولاد اطهار اخیار او

که برگزیدگان بارگاه احدیت و مقربان درگاه صمدیت اند صلوات الله علیهم اجمعین باد اما بعد چنین گوید فقیر حقیر

کثیر التقصیر المذنب المحتاج الى عفو ربه البارى ابن ابراهیم مصطفى القارى که نزد ارباب دانش و دهی

بینش [illegible] روشن است که بعد از معرفة الله افضل طاعات و اکمل عبادات نماز است و آن صحیح نیست

الا بخواندن قرآن و آن درست نیست الا بدانستن مخارج حروف و رعایت صفات مفرده و پیروی

قواعد معینه لغت عرب بنابراین رساله مسمى بتحفة القراء از قراءات عاصم در حرمین الشریفین تالیف

کرده چون عبارت و کتابت تطویل داشت جمعی را بسبب کثرت علایق و عوایق وقت و فرصت آن نبود

که رجوع بآن نموده از آن بهره مند و مستفید گردند لهذا با قلة بضاعت و عدم استطاعت رساله

صغیر در واجبات و مستحسنات تالیف نمود مسمى بتحفة الابرار گردانید و مرتب ساخت بر مقدمه و دو باب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

درمحل تلفظ باین حروف میل بکام پایین میکند
بنابرآن مستفله گفته اند وآن هفت حرفند
مجتمع درترکیب شرف بحثٍ کن ضغ ذی
جمالٍ تدوّنه اطباق کردن وبرون آمدن
است چون زبان درمحل تکلم باین حروف مثل
طبق میشود وکام بالا را میپوشد ازآن جهة مطبقه
نامیده اند وآن چهار حرفند مجتمع درترکیب خص
طظٍ وغیرآن چهار حرف همه صفت انفتاح دارند
انفتاح گشاده شدن است چون زبان درمحل تلفظ
باین حروف ازکام بالا گشاده میشود ازآن سبب
منفتحه گفته اند وآن بیست وچهار اند
مجتمع درکلمات تجد ابرخ حنش
قزع غنم ذیلٍ سوق کعهٍ لحزنه
وتیزی ازچیزی را گویند چون این حروف
ازطرف لسان وسه ازطرف شفتین
اخراج میشوند ودر مخرج خود خفیف اند وسبک
تمام ادا میشوند بنابران مذلقه نامیده اند
وآن شش حرف اند مجتمع درترکیب فرّ
من لبٍّ وباقی حروف همه صفت اصمات

[illegible]

ساکن کرد انند و درست ... بنا بر ...

ادغام کنند متقاربین بی ... مثل الم نخلقکم ...

سلکهم متقاربین ... مانند ...

مانند المساجد ...

ابا عمرو روایت و عاصم ...

کهیعص که اصل او ...

نون مشدده ...

و اشمام در این موضع بهم آورده ...

ابن کلمه لا تأمنّا ...

می شود ادغام صغیر است که اول ساکن ...

که متفق علیه و دیگری مختلف فیه اما متفق علیه ...

و ...

صفیر گفته اند و حروف ...

چنین اند از آن لب ... قلقله ...

از آن جهت تفشی نامیده اند ...

انحراف ...

...

جهت انکه ولکن لیکن بفعلون تمکین ایت وتحمل
باشد لیس مع حاله باید کرد و
بلقیس باشد بیش پروردکار بیشد توقیع
که تعدل حضرت بیش و وقف بعض
انه برای قول بلقیس بیش و وقف محرد
و وقف محور الوجه او زرایت و وقف جهت وارد
الوجه اتست که جانب و وقف حسن با
دجانب و جان
دارد

۶۳

تاریخ ولادت نور چشم کامکار
محمد علی در یوم جمعه در ساعت پنجم
از شب بیست و یکم
از یوم مزبور بیست و نهم
شهر ربیع الاخر
سنه ۱۲۴۴

تاریخ ولادت نور چشمی طاهر ... در روز
جمعه الحال بغروب مانده
در روز دوم ماه ربیع الاول
۱۲۵۴

تاریخ ولادت نور چشم
محمد جعفر در یوم چهارشنبه نه ساعت
بغروب مانده ششم ماه
ذی القعده
۱۲۵۴

تاریخ تولد نور چشم محمد ...
در یوم چهارشنبه ... ساعت
از روز ... ماه رجب ...
... ۱۲ ...
... رجب

تاریخ تولد ... ابراهیم
در یوم چهارشنبه بیستم
صفر سنه ۱۲۶۵

تاریخ تولد نور چشم ...
... در یوم چهارشنبه یک ساعت
از روز ماه رمضان المبارک
بغروب مانده بود آمده
... رمضان سنه ۱۲۶۱

تاریخ تولد فاطمه ...
... سنه ۱۲۵۶
... ذی الحجه ...
تاریخ ولادت فاطمه ...
در یوم ... شنبه ... ساعت
مانده ...
... ۱۲۶۳
محرم

نقیری واقع شود ... معلوم ... خفیف ... تشدید ... ۱۲۴۲

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

بدانکه ادمی را قوتیست دراکه و دروی منتقش کرده صور اشیا چنانکه در ابینه لیکن

در ابینه حاصل نمی شود مکر صور محسوسات و در قوه مدرکه انسانی حاصل شود صور محسوسات

و معقولات و محسوس انست که بیک ازین حواس پنجکانه که ان باصره و سامعه

و شامه و ذایقه و لامسه است [illegible] شود و معقول انست که باینها مدرک نشود

و هر صورت که در قوه مدرکه انسان که انرا ذهن خوانند حاصل شود یا تصور باشد یا

یا تصدیق زیرا که ان صورت حاصله اکر صورت نسبت جزئی است بجزئی با یجاب

چنانکه کوئی زید نویسنده است یا بسلب چنانکه کوئی زید نویسنده نیست ان صورت

را تصدیق خوانند و اکر ان صورت حاصله غیر مذکوره باشد انرا تصور خوانند پس علم

که عبارت

التصدیق هو حصول صورة الشیء فی العقل

التصور هو حصول صورة الشیء فی العقل بلا حکم

٦٤

که عبارت است از ادراک منحصر است در تصور و تصدیق **فصل** بعد ازین

معلوم خواهد شد که نسبت جزئی بجزئی خواه بایجاب و خواه بسلب بر سه

وجه باشد یکی حملی چنانکه معلوم شد اتصالی چنانکه کوئی که اکر افتاب

بر امده باشد روز باشد یا کوئی نسبت چنین که اکر افتاب بر امده باشد

شب باشد انفصالی چنانچه کوئی این عدد یا زوج است یا فرد یا کوئی

نسبت چنین که این شخص انسان باشد یا حیوان پس ادراک نسبت

حملی و اتصالی و انفصالی بایجاب یا [illegible] تصدیق باشد و او را حکم نیز خوانند

و ادراک ما ورای اینها تصور باشد و چون تصدیق ادراک نسبت جزئی

بجزئی با یجاب یا بسلب ناچار باشد او را از سه تصور اول تصور منسوب

الیه که او را محکوم علیه خوانند دوم تصور منسوب به که او را محکوم به خوانند

سیم تصور نسبت بین بین که انرا نسبت حکمیه خوانند مثلا در تصدیق بانکه زید